



تقریرات دروس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرس طباطبایی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳

جلسه صد و دوم؛ سه شنبه ۱۳۹۴/۲/۲۲

آیا دولت می تواند برای رفع احتیاجات خود، به میزان دلخواه اسکناس منتشر کند؟

حال که بیان کردیم هیچ رابطه‌ای به نحو حیثیت تقییدی بین مقدار اسکناس منتشر شده و پشتوانه آن - اعم از طلا، نقره و سایر دارایی‌های دولت - وجود ندارد، این سؤال مطرح می‌شود که آیا دولت به هر میزان که نیاز داشته باشد می‌تواند اقدام به انتشار پول کند؟

در جواب عرض می‌کنیم: هر چند رابطه‌ای تقییدی بین پول و پشتوانه‌ی آن وجود ندارد، اما رابطه‌ای بین حجم پول و ارزش آن وجود دارد به گونه‌ای که فی‌الجمله هر چه حجم پول در جامعه افزایش پیدا کند، ارزش آن کاهش پیدا می‌کند و در نتیجه قیمت کالاها نیز افزایش پیدا می‌کند (نظریه‌ی مقداری پول)^۱. البته این رابطه کاملاً مستقیم و صد در صد نیست و عوامل مختلف دیگری نیز دخیل در رشد قیمت است، از جمله سرعت گردش پول، حجم شبه پول، میل به مصرف، حالت روانی جامعه و ... که توضیح آن در جای خود آمده است.^۲

۱. نظریه‌ای وجود دارد به نام نظریه‌ی مقداری پول «Quantity theory of money» که بیان می‌کند رابطه‌ی مستقیمی بین متوسط قیمت‌ها و حجم پول وجود دارد؛ یعنی هر چه حجم پول افزایش پیدا کند، متوسط قیمت‌ها هم افزایش پیدا می‌کند. البته این نظریه صد درصد درست نیست و بعدها تبصره‌های فراوانی بر آن زده شد و حتی برخی کلاً منکر این نظریه شده و گفته‌اند هیچ رابطه‌ای بین حجم پول و افزایش قیمت وجود ندارد. به نظر ما این نظریه فی‌الجمله درست است.

۲. در کشور ما این چنین نیست که دولت در انتشار اسکناس آزاد باشد، بلکه بانک مرکزی، شورای پول و اعتبار و نیز هیأت نظارت بر اندوخته‌ی اسکناس، وظیفه‌ی کنترل حجم تقدینگی، نظارت بر اندوخته‌ی اسکناس، نشر اسکناس و ... را عهده دار می‌باشند. ریاست شورای پول و اعتبار که متشکل از افراد متعددی است، با رئیس کل بانک مرکزی است. رئیس سازمان برنامه و بودجه یا معاونش، دادستان کل کشور یا معاونش، دو نفر از نمایندگان مجلس به عنوان ناظر، دو نفر اقتصاددان و نیز افراد دیگر، ترکیب این شورا را تشکیل می‌دهند.

بنابراین هرچند انتشار اسکناس در اختیار دولت‌ها می‌باشد، اما افزایش حجم پول بعد از مدتی موجب افزایش قیمت‌ها می‌شود و آثار نامطلوبی برای جامعه و دولت‌ها خواهد داشت^۱ و در دراز مدت نظام اقتصادی به هم می‌خورد؛ چراکه تولید کننده نمی‌تواند برای تولید برنامه‌ریزی کند، اعتبار پول در خارج از کشور آسیب می‌بیند، رغبت برای نگه‌داری پول به عنوان سرمایه کاهش پیدا می‌کند و ...

بله، در مواقعی که زیر ساخت‌های اقتصادی آماده باشد و اقتصاد در ظرفیت کامل اشتغال نباشد، دولت می‌تواند با افزایش حجم پول، تقریباً به همان نسبت بلکه با ضریب فزاینده‌ای به رونق تولید بیفزاید بدون آن‌که باعث رشد قیمت‌ها شود، در نتیجه اشتغال افزایش پیدا می‌کند و نزدیک به اشتغال کامل می‌شود. هم‌چنین اگر اقتصاد آن‌قدر قدرت داشته باشد که با افزایش حجم پول، به اعتبار بین‌المللی آن ضربه‌ای نخورد و مردم اطمینان داشته باشند که بدون این‌که قیمت‌ها تغییر کند، در آینده می‌توانند حداقل از داخل کشور کالا یا خدمت مفید خریداری کنند، چه بسا عده‌ای این پول مازاد را به عنوان سرمایه ذخیره کنند و در نتیجه افزایش حجم پول منجر به تورم در جامعه نشود، کما این‌که ارزهای معتبر خارجی چنین است.^۲

آیا پول اعتباری محض، زکات دارد؟

یکی از بحث‌هایی که در این جا مطرح می‌شود، بحث زکات در پول‌های اعتباری محض است. برخی به یکی از این دو دلیل^۳ گفته‌اند که زکات در پول اعتباری محض واجب است؛ دلیل اول این‌که چون طلا و نقره‌ی مسکوک زکات دارد و پشتوانه‌ی پول‌های اعتباری محض هم طلا و نقره است، پس زکات در این پول‌ها نیز واجب است. دلیل دوم این‌که زکات در مطلق پول واجب است؛ چه درهم، چه دینار و چه پول اعتباری محض.

اما به نظر ما پول اعتباری محض زکات ندارد؛ زیرا اولاً: همان‌طور که بیان کردیم، امروزه رابطه‌ای بین طلا و نقره و پول اعتباری محض وجود ندارد و طلا و نقره پشتوانه‌ی آن نمی‌باشد، بلکه پول اعتباری

۱. هرچند کسانی که ابتداءً آن پول را گرفتند، قبل از رشد قیمت‌ها می‌توانند با آن پول برای خود کسب درآمد کرده و کالا و خدمات خریداری کنند، اما بعد از مدتی ارزش پول کاهش پیدا کرده و اثر آن خنثی می‌شود.

۲. بدین جهت کشورهایی که دارای اقتصاد قدرتمند هستند، یکی از منافع بادآورده‌ای که دارند این است که حجم بالایی پول منتشر می‌کنند و در مقابل آن اقدام به خریداری کالا، خدمت و ... می‌کنند و چون مردم و نیز سایر دولت‌ها اقدام به ذخیره سازی پول آن‌ها می‌کنند، در نتیجه هیچ توری در مقابل انتشار پول جدید در کشور آن‌ها ایجاد نمی‌شود.

۳. دلیل سومی هم مورد تمسک می‌تواند قرار گیرد که قبل‌ها درباری آن مفصل بحث کرده‌ایم.

محض، بنفسه ارزشمند است و آنچه که به عنوان پشتوانه‌ی پول مطرح می‌شود فقط حیثیت تعلیله‌ی ارزش آن است، کما این که سید یزدی رحمته‌الله نیز در عروه به این مطلب اشاره کرده است.^۱

ثانیاً: به نصّ روایات^۲، زکات مربوط به طلا و نقره‌ی مسکوک به سکه‌ی معامله است و مطلق پول، زکات ندارد - و حتّی طبق بعض روایات^۱، زکات در خلیط درهم و دینار واجب نیست - . و نمی‌توان با

۱. برخلاف شاگرد قوی و روشنفکر ایشان یعنی آشیخ محمد حسین کاشف الغطاء رحمته‌الله که عکس نظریه‌ی استاد خود را بیان کرده و تقریباً تمام احکام پول طلا و نقره را بر پول‌های اعتباری مترتب کرده است. هم‌چنین مرحوم شهید صدر رحمته‌الله نیز قائل شده زکات در مطلق پول واجب است؛ یعنی هرچه حیثیت عُملة بودن را داشته باشد، و چون بر پول‌های اعتباری نیز «عُملة» صادق است، پس زکات آن نیز واجب است.

ما در کتاب خمس و زکات در اسلام، نظریه‌ی مرحوم کاشف الغطاء*، شهید صدر رحمته‌الله و نیز نظریه‌ای که می‌گوید متعلقات زکات منوط به رأی ولی امر است را نقد و بررسی کردیم که برای مطالعه‌ی بیشتر می‌توان به آن کتاب مراجعه کرد. (رجوع شود به: خمس و زکات در اسلام، صص ۳۰ تا ۶۰)

* سؤال و جواب (لکاشف الغطاء)، ص ۱۱۴:

سؤال ۲ " هذه الاوراق التي جرت المعاملة بها في هذه العصور كالدينار العراقي و النوط الايراني أو الهندي أو الانكليزي و نحوها هل تجب فيها الزكاة إذا بلغت النصاب و حال عليها الحول و هل تجرى عليها سائر أحكام النقدين من الربا و التقابض في بيع الصرف أم لا.

" جواب " الأصح ان هذه الاوراق حاكية و ممثلة للاموال النقدية المستودعة في البنوك فمن بيده دينار أو نوط فهو رمز إلى ان له في البنك ليرة ذهبية أو نصف ليرة انكليزية اما نفس تلك الاوراق لو لا هذا الاعتبار فلا قيمة لها أصلا و جميع المعاملات التي تجرى على تلك الاوراق إنما تجرى عليها بذلك للحاظ. و على هذا فجميع أحكام النقدين ثابتة له من وجوب الزكاة و حرمة الربا و لزوم التقابض و غير ذلك فيعتبر الدينار العراقي مثلا متقالا ذهبيا مسكوكا بسكة المعاملة و العشرون دينار نصاب فإذا حال عليها الحول مستقرة لمالك واحد وجبت فيها الزكاة و هي نصف دينار أي نصف مثقال شرعي كما تقدم و هكذا.

** الاسس العامة للبنك في المجتمع الاسلامي، ص ۱۵:

«همانا اسلام احتكار نمودن (پول) طلا و نقره، و انفاق نکردن آن‌ها را تحریم کرده است. چرا که خداوند سبحانه و تعالی می‌فرماید:

"والذين يكتزون الذهب والفضة ولا ينفقونها في سبيل الله فبشرهم بعباد اليم!"

و کسانی که گنج می‌نمایند طلا و نقره را، و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، پس آنان را به عذاب دردناک بشارت ده.

در آیه‌ی شریفه، مقصود از ذهب و فضّه، نمی‌تواند طلا و نقره باشد، مگر اینکه منالی برای مطلق پول محسوب شود، و پول همان چیزی است که باید خرج شود و به جریان افتد. لذا مقصود آیه، حرمت کنز و انباشتن مطلق پول می‌باشد. در حالی که مفهوم کنز (انباشتن)، مفهوم کمش داری است که با در نظر گرفتن اندازه‌ی امکان تحرّک مال در زندگی اقتصادی و اندازه‌ی توانایی فرد که - به صورت نوعی - برای به کارگیری و بهره‌کشی از اموال موجود است مشخص می‌شود.

۲. وسائل الشیعة، ج ۹، کتاب الزکاة، أبواب زکاة الذهب و الفضة، باب ۸ (بابُ اشْتِرَاطِ كَوْنِ النَّقْدَيْنِ مُنْقُوشَيْنِ بِسِكَّةِ الْمُعَامَلَةِ)، ح ۱، ص ۱۵۴:

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ زُرَّارَةَ وَ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ رحمته‌الله قَالَ: لَيْسَ فِي نَقْرِ الْفِضَّةِ زَكَاةٌ.

✓ همان، ح ۲:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَفْطِينِ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ رحمته‌الله قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنَّهُ يَجْتَمِعُ عِنْدِي الشَّيْءُ فَيَبْتِئِي نَحْوًا مِنْ سَنَةِ أَنْزَكِيهِ؟ فَقَالَ: لَا كُلُّ مَا لَمْ يَحُلْ عَلَيْهِ الْحَوْلُ فَلَيْسَ عَلَيْكَ فِيهِ زَكَاةٌ وَ كُلُّ مَا لَمْ يَكُنْ رِكَازًا فَلَيْسَ عَلَيْكَ فِيهِ شَيْءٌ قَالَ قُلْتُ: وَ مَا الرِّكَازُ؟ قَالَ: الصَّامِتُ الْمُنْقُوشُ ثُمَّ قَالَ إِذَا أَرَدْتَ ذَلِكَ فَاسْبُكْهُ فَإِنَّهُ لَيْسَ فِي سَبَائِكَ الذَّهَبِ وَ تَقَارِ الْفِضَّةِ شَيْءٌ مِنَ الزَّكَاةِ.

الغاء خصوصیتِ درهم و دینار، حکم مستفاد از این روایات را به مطلق پول سرایت داد؛ زیرا درهم و دینار خواصی دارد که در مطلق پول وجود ندارد، از جمله این که چون مقدار طلا و نقره در جامعه محدود است، دولت نمی‌تواند به راحتی کمبود پول را با ضرب سکه‌های جدید جبران کند. بنابراین اگر افراد اقدام به ذخیره‌سازی درهم و دینار کنند، مقدار پول رایج در جامعه کاهش پیدا می‌کند و در نتیجه اقتصاد، وسیله‌ی مبادله‌ی خود را از دست می‌دهد و تبدیل به اقتصادی عقب افتاده می‌شود. لذا وجوب زکات در طلا و نقره‌ی مسکوک باعث می‌شود که پول در جامعه به گردش بیفتد، اما این خاصیت در پول اعتباری محض وجود ندارد؛ زیرا دولت به راحتی می‌تواند به هر مقدار که اقتصاد جامعه نیاز دارد، با کمترین هزینه اقدام به انتشار اسکناس کند.

والحمد لله رب العالمین

جواد احمدی

و رواه الشيخُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْعُبَيْدِيِّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى مِثْلَهُ.

✓ همان، ح ۵، ص ۱۵۶:

و [مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ] بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَالٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنِ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: لَيْسَ فِي التَّبَرِّ زَكَاةٌ إِنَّمَا هِيَ عَلَى الدَّنَائِيرِ وَ الدَّرَاهِمِ.

۱. همان، باب ۷، ح ۱، ص ۱۵۳ و الکافی، ج ۳، ص ۵۱۷:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينَ عَنِ زَيْدِ الصَّائِغِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي كُنْتُ فِي قَرْيَةٍ مِنْ قُرَى خُرَّاسَانَ - يُقَالُ لَهَا بُخَارَى فَرَأَيْتُ فِيهَا - دَرَاهِمَ تُعْمَلُ ثَلَاثَ فِضَّةً وَ ثَلَاثَ مِسًّا وَ ثَلَاثَ رِصَاصًا - وَ كَانَتْ تَجُوزُ عَنْدَهُمْ وَ كُنْتُ أَعْمَلُهَا وَ أَنْفَقَهَا قَالَ - فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا بَأْسَ بِذَلِكَ إِذَا كَانَ تَجُوزُ عَنْدَهُمْ - فَقُلْتُ: أَرَأَيْتَ إِنْ حَالَ عَلَيْهَا الْحَوْلُ وَ هِيَ عِنْدِي - وَ فِيهَا مَا يَجِبُ عَلَيَّ فِيهِ الزَّكَاةُ أَرَكِيهَا؟ - قَالَ نَعَمْ إِنَّمَا هُوَ مَالِكٌ - قُلْتُ: فَإِنْ أَخْرَجْتَهَا إِلَى بَلَدَةٍ لَا يَنْفِقُ فِيهَا مِثْلَهَا - فَبَقِيَتْ عِنْدِي حَتَّى حَالَ عَلَيْهَا الْحَوْلُ أَرَكِيهَا؟ - قَالَ: إِنْ كُنْتَ تَعْرِفُ أَنَّ فِيهَا مِنَ الْفِضَّةِ الْخَالِصَةِ - مَا يَجِبُ عَلَيْكَ فِيهِ الزَّكَاةُ - فَزَكَّ مَا كَانَ لَكَ فِيهَا مِنَ الْفِضَّةِ الْخَالِصَةِ (مِنْ فِضَّةٍ) - وَ دَعْ مَا سِوَى ذَلِكَ مِنَ الْخَبِيثِ - قُلْتُ: وَ إِنْ كُنْتُ لَا أَعْلَمُ مَا فِيهَا مِنَ الْفِضَّةِ الْخَالِصَةِ - إِلَّا أَنِّي أَعْلَمُ أَنَّ فِيهَا مَا تَجِبُ فِيهِ الزَّكَاةُ - قَالَ: فَاسْبُكْهَا حَتَّى تَخْلُصَ الْفِضَّةَ وَ يَحْتَرِقَ الْخَبِيثُ ثُمَّ تُزَكِّ مَا خَلَّصَ مِنَ الْفِضَّةِ لِسَنَةِ وَاحِدَةٍ.